

پیش‌خوانی

مروری بر اثر پژوهشی «سیمین دانشور در آیینۀ آثارش»

تداعی‌گر لحظات ناب

■ **سیمین بناهی فرد**



سیمین دانشور سال‌ها در مجموعه داستان آتش خاموش، پیشرفت و پختگی را از مجموعه داستان آتش خاموش، شهری چون بهشت، رمان سووشون، مجموعه داستان به کی سلام کنیم، از پرنده‌های مهاجربیرس، رمان‌های جزیره سرگردان و ساربان سرگردان پله پله طی کرده و نامش تا دنیا‌پاتی است، بر تارک رفیع و پرافتخار ادبیات داستانی ایران خواهد درخشید.

سیمین دانشور سال‌های مدیدی است در رگ و پی ذهن همه مخاطبان خود حضور دارد و اینک به بانوی داستان‌نویسی ایران ملقب شده است. او که در آثارش لحظات ناب و مومیایی و ثبت کرده، سمبل و الگویی برای تعمای زنان آزاده و هنرمند این سرزمین است. انگیزه اصلی نگارش کتاب حاضر این بود که او نیز زنی است از جنس من با همه عواطف و ذهنیات زنانه که در آثارش موج می‌زند و به فضای داستان‌هایش رنگ و بوی دیگری می‌بخشد، تا حدی که گاهی احساس می‌کردم قهرمانان زن او از زبان من سخن می‌گویند و حرف‌های ناتمام‌ها را بر زبان می‌رانند.

او کسی است که از نوجوانی با خواندن رمان مشهور سووشون با وی آشنا شدم و از همان زمان به دلیل



■ **دکتر سیمین تاج دانشور**

توصیف‌های جاندار در این اثر تصویری دو بعدی از شهر شیراز در ذهنم نقش بست. از یک طرف گل‌ها، گیاهان و عریقات معطر و از طرف دیگر شهر مکر فخر، قحطی و بدبختی مردم در سال‌های دور؛ زیرا چنان‌که خود گفته می‌باشد: «در روزگاری آبی‌ها را در روزگاری خاص است. حتی به یاد دارم که پس از کشته شدن یوسف من نیز با زری همناو شدم و گریستم. البته این خود نشان از قدرت بانو دانشور در تصویرسازی صحنه‌ها داستانی دارد، اما هر گاه می‌خواهند داستان‌هایش را شکی ریخته می‌شد و بعضی می‌شکست یا لیخندی بر لبانم نقش می‌بست، به خود می‌پاییدم که کسسی از جنس من این چنین زینا تصویرسازی می‌کند که خواننده راحت‌تأثیر قرار می‌دهد. اما آنچه مرا بیش از پیش مجذوب و او آثارش می‌کرد، این بود که در کلامش مهربانی و امید موج می‌زد و همواره مرا به تلاش و مبارزه فرا می‌خواند. علاوه بر آنچه در حیطه ادبیات و داستان‌نویسی از او آموختم، در زمینه‌های مختلف زندگی نیز از شخصیت متکم و نستوه وی که در آثارش جلوه‌گر است، درس‌ها گرفتم؛ از جمله درس مهربان بودن نفس، نیکو زیستن، یاری رساندن به نیازمندان و مهم‌تر از همه درس عبادت و وفاداری. همچنین او به من آموخت که مرگ نهراسم، «زیرا مرگ یک نوع عوض کردن پوشش است یا از گوشه‌یاتی به گوشه دیگر رفتن» به‌راستی او وارث شهرزاد قه‌گوست که خوانندگانش را از این چنین مجذوب خود می‌سازد.

کتابی که پیش روی شماست، تحلیلی است چندجانبه درباره آثار بانو دانشور به منظور شناخت و معرفی هر چه بیشتر او به عنوان نخستین بانوی داستان‌نویس ایران که در هفت فصل تنظیم شده است؛ ابتدا با ذکر زندگینامه سیمین دانشور از کودکی تا به امروز و کارنامه قلمی‌اش، به بررسی جایگاه ادبی او در ادبیات معاصر ایران و درخشش وی در دوره چهارم داستان‌نویسی، پس از خلق رمان سووشون و شرح و بسط آثارش در ادبیات داستانی، همچنین این نشان پیرنگی، زاویه دید، توصیف صحنه، فضای داستان و… در آثارش به پرداخته‌ام که با شواهد کافی از متن داستان‌ها بیان شده است. در مرحله بعد هر سه رمان‌ها و چهار مجموعه داستان کوتاه او مطالعه و تحلیل چندسویه شده است و داستان کوتاه او نظر اسلوب نویسندگی بر سایر داستان‌ها پس از آن موفق‌ترین داستان‌های کوتاه او در هر مجموعه داستان که از نظر اسلوب نویسندگی بر سایر داستان‌ها برتری دارد، در بخشی مجزا معرفی و تحلیل شده است.

در فصل ششم رمان‌های او از لحاظ کاربری چندبندترین تکنیک‌های متداول داستان‌نویسی در غرب و تطبیق آنها با مکاتب مدرنیسم و پست‌مدرنیسم بررسی شده که شواهد مستندی از متن آثار در این زمینه ارائه شده است. فصل پایانی نیز به بررسی داستان‌های کوتاه و رمان‌های او از دیدگاهی فمینیستی اختصاص یافته است که طرز تفکر او را در مورد زن و در زندگی فردی و اجتماعی در ایران نشان می‌دهد. در مسیر نگارش این اثر که دو سال و اندی به طول انجامید، جز یکی دو اثر که نگاهی گذرا به برخی از آثار بانو دانشور افکنده‌اند، منبع دیگری در دست نیست و همین امر بیش از پیش مرا به تحلیل و بررسی آثار وی ترغیب کرد تا بتوانم بدین وسیله دینم را به او که بی‌شک گوهر یک‌دانه زنان داستان‌نویس ایران است، ادا کنم.

محمّد موسوی خوینئی‌ها در دهه ۶۰



محمّد موسوی خوینئی‌ها در دهه ۶۰

کارنامه تفسیری «محمد موسوی خوینئی‌ها» در آیینۀ تأملات و نقدهای استاد شهید مطهری

تفسیرهای تفنگی مسجد جوستان!

شاهد توحیدی

گروه موسوم به «فرقان» به لحاظ نقش و کار کردی که در ماه‌های آغازین پیروزی نهضت اسلامی، در میان برداشتن شخصیت‌های ممتاز انقلاب ایفا نمود، پدیده‌ای همچنان در خور بررسی و مطالعه است. اهمیت این بررسی آنگاه دوچندان می‌شود که هنوز و گنگناه، جلوه‌هایی از یادیشه فرقانی در «سنجش با روحانیت فقهای شیعه» و «انکار عنصر تخصص در پژوهش‌های دینی» رخ می‌نماید و طبعاً این بیم را در مخاطب زمان آشنا و درد آگاه ایجاد می‌کند که اگر چه «فرقان» در قامت یکی گروه با پیگیری‌های امنیتی سربازان انقلاب، روی از جامعه برگرفته، اما «فرقانسم» هنوز در فضای فکری و فرهنگی جامعه حضوری ملموس دارد و می‌تواند ضایعات و مشکلات فراوانی را به بار بیآورد.

از جنبه‌های مهم و درخور توجه در مقام بررسی این پدیده، بررسی چگونگی نظر به‌پردازی توسط این گروه و شکل‌گیری ماهیت فکری آنان است که بی‌تردید در شناختن این نحله، نقشی درخور دارد. اگرچه اصطکاک‌کی که «اکبر گودرزی» وقت پیدا کرده بود، در ایجاد ذهنیت بسیار منفی در وی نسبت به روحانیت و نستوه وی که در آثارش با این همه نمی‌توان نقش برخی محرکان دیگر در ذهنیت‌آفرینی در این بساره برای وی، را نادیده گرفت. در این بساره از جریانات و افراد گوناگونی سخن می‌رود که تحریکات و ذهنیت‌سازی‌های شخص «سیدمحمد موسوی خوینئی‌ها» در شکل دادن به افکار مخرب اکبر گودرزی در زمره آنان است. در این باره گواهی‌های متعددی وجود دارد که پارهای از آنها در ادامه این مقال مطرح خواهند شد. اهمیت پرداختن به این چهره به عنوان یکی از «موزگارن و پرورش‌دهندگان» در سایه گروه فرقان، این است که شاگردان و پروردگان وی، تا هم‌اینک که ۳۵ سال از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد، همچنان و هر یک به‌گونه‌ای، از ابواب جمعی مواجهه با روحانیت‌اصیل شیعه و ترویج اندیشه‌های سکولاریستی در جامعه و محافل فرهنگی و رسانه‌ای کشور هستند. این نشان می‌دهد که ذهن آنان از آغاز، از اندیشه‌ای برآسیب و معوج انباشه شده که همچنان و پس از سالیان دراز، تأثیرات خویش را نشان می‌دهد.



پروژه «قرآن‌شناسی آسان!»

حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ‌جعفر شجنوی از روحانیان و خطیبان مبارز و بر سابقه تاریخ معاصر ایران است. سابقه فعالیت‌های سیاسی وی به دوران نهضت ملی و عضویت رسمی در جمعیت فداییان اسلام» بازمی‌گردد. وی در بیان خاطرات خویش از شکل‌گیری زمینه‌های پسرورش چهره‌هایی چون اکبر گودرزی، به ذهنیت‌سازی‌های «محمد موسوی خوینئی‌ها» در باره چهره‌های چون شهیدان آیت‌الله مطهری، آیت‌الله بهشتی و آیت‌الله مفتاح‌اشاره می‌کند و می‌گوید: «گودرزی بعد از آنکه از طرف علمای محترم و شناخته شده و حوزه‌های علمیه مهم تهران طرد شد، به سراغ آقای موسوی خوینئی‌ها در مسجد جوستان رفت و او هم گودرزی را پذیرفت و این هم غیرمنتظره‌ای نبود. آقای خوینئی‌ها قبل از انقلاب در آن مسجد در مقام تفسیر قرآن، حرف‌ها‌های عجیب و غریبی می‌زد که من اسم آن را گذاشته‌بودم «قرآن‌شناسی آسان!» چون یک مفسر واقعی با توجه به قرآن

عاریخ

فکتد کوم ۸۸۴۹۸۴۳۸

احساساتی است، هم عصبی. دستش را بلند کرد و زد روی پای من و گفت: «ه بابا! این جور نیست.» ولی بعدهادیدیم که اتفاقاً این جوری شده‌واقعا برخی هم لباسان خودمان آنها را تحریک می‌کردند.»^(۱)

■ **بازرگان:** برداشت‌های خوینئی‌ها خطر ناک است! شاید اینگونه تصور شود که ناقلان اینگونه روایت‌ها، از مخالفان امروز موسوی خوینئی‌ها و در زمره کسانی هستند که از موضع دفاع از حاکمیت، با رفتارهای سالیان اخیر وی در عرصه سیاست مخالف هستند. اما باندکی درنگ می‌توان دریافت که داستان فراتر از یک اختلاف سیاسی و تقریباً امری اجماعی در میان طیف‌های گوناگون است. راویان تأثیرپذیری فرقان از خوینئی‌ها، در میان همه طیف‌ها حتی جریانات زاویه‌دار با نظام و حاکمیت نیز یافت می‌شوند و در این باب سخنانی در خور تأمل می‌گویند. مهندس هاشم صیباغیان از اعضای گروه «نهضت آزادی» و «وزیر کشاور دولت موقت انقلاب» که در ماه‌های منتهی به انقلاب اسلامی در زمره هیئت‌امنا و سامان‌دهندگان فعالیت‌های مسجد قبا بوده است در این باره معتقد است:

«... بعضی از برداشت‌های نادرست و حتی مخربی که از ساده‌زیستی می‌شد، به تفسیرهایی برمی‌گشت که آقای خوینئی‌ها در مسجد جوستان می‌کرد و همین‌طور برداشت‌های آقای دکتر پیمان که برداشت‌هایی مارکسیستی و چپ‌گرایانه بودند و موجب چنین افراط‌هایی می‌شدند. ما در آن دوران، با اینگونه برداشت‌ها، سخت مخالف بودیم. مرحوم مطهری به‌شدت در مقابل این فکر ایستادگی می‌کرد و مخالف جدی این نوع برداشت‌ها بود. متأسفانه این نوع برداشت‌ها روی جوان‌ها تأثیر می‌گذاشت و ساده‌زیستی را که امری ممدوح است، به صورت رفتاری افراطی و در نهایت نوعی چهروی درمی‌آورد... من بعدها ماهیت آنها را فہمیدم و متوجه شدم که از محصولات جلسه تفسیر آقای موسوی خوینئی‌ها هستند! همه می‌گفتند جلسات تفسیر آقای خوینئی‌ها خیلی شلوغ است. ما به دلیل فشرده‌گی کارهایی که داشتیم، نمی‌رسیدیم برویم ببینیم چه می‌گوید. یکی دو بار گزارش‌هایی از این جلسات رسید و مهندس بازرگان که خودش تسلط کافی به قرآن داشت، از این سخنان، اظهار ناخشنودی کرد. ایشان خیلی ناراحت بود و می‌گفت که این برداشت‌ها خطرناک هستند. خاطرم هست قبل از انقلاب جلساتی با حضور آقای مطهری، آقای موسوی اردبیلی، مهندس بازرگان، مهندس کتیرایی و... تشکیل می‌شد به نام «کاک» که برای بررسی در مورد همین نوع مسائل بود. در انجام هم این مسئله را مطرح کردند که اگر این تفاسیر ادامه پیدا کنند، خطرناک خواهد بود، ولی با نزدیک شدن به پیروزی انقلاب و مطرح شدن اولویت‌های دیگر، رسیدگی به این مسئله ممکن نشد.»^(۲)

■ **گودرزی، مباحی به بافت با خوینئی‌ها!**

همانگونه که اشارت رفت، شخص اکبر گودرزی در جایگاهی نبود که بتواند از زمینه‌های فکری لازم برای تفسیر قرآن و نظریه‌پردازی دینی و سیاسی برخوردار باشد. بسیاری از آنان که پیش از انقلاب وی را دیده و محافل تفسیری او را درک کرده بودند، بر این باورند که وی از نگاهی سطحی برخوردار است، ماجرا را اینگونه روایت می‌کند: «زمانی که رهبر انقلاب، رئیس‌جمهور بودند، باایشان ملاقاتی داشتم. کس دیگری هم در آن جلسه حضور نداشت. ایشان در این مورد نقلی می‌کردند که یک بار آقای مطهری به من گفتند: «برو و به این محمد خوینئی‌ها بگو این تفسیری که

۹ جوان

روزنامه جوان | شماره ۴۲۳۸

روی افراد محارب گذاشتند و چهره خودشان را پنهان کردند. پادم هست چند سال بعد از پیروزی انقلاب، چند خانم به مسجد قبا مراجعه کردند و گفتند: «بیم‌خاندن و بچه‌های ما را به خاطر داشتن جزوه‌های آقای خوینئی‌ها بازداشت کرده و به زندان برده‌اند. اگر این حرف‌ها و جزوه‌ها جرم است، چرا ایشان خودش داستان انقلاب است، اگر هم جرم نیست، چرا بچه‌های ما را به این جرم گرفته‌اند؟»

به هر حال گودرزی همیشه اعلام می‌کرد که با آقای خوینئی‌ها حشر و نشر دارد و در مسجد قبا هم کلاس داشته است. جوان‌ها هم با این تبلیغات او به این نتیجه رسیدند و بودند که او فرد مبارزی است و به او اطمینان کردند و همین باعث شد که بتواند در آن منطقه برای خودش پایگاهی را به وجود بیاورد. عده‌ای از جوان‌هایی هم که به او پیوستند، بچه‌های مسجد «متقین»(زیر بر صدر) و از طایفه کشانی‌ها بودند.»^(۳)

■ **تشبیه گوساله سامری به نظام سرمایه‌داری!**

یکی از نکات مورد انتقاد راویان خاطرات درباره محفل تفسیری موسوی خوینئی‌ها، مخالفت شدید و قاطع استاد شهید آیت‌الله مرتضی مطهری را بر داشت سطحی و مارکسیستی وی از قرآن بوده است. برخی حتی بر این باورند که اولین مقدمه استاد بر کتاب «علل گرایش به مادی‌گری» بیش از اشاره به هر گروه فرقان و سایر گروه‌های فرقان‌گونه، به تفاسیر چپ‌گرای خوینئی‌ها نظر دارد یا دست‌کم کاملاًبر این گرایش تفسیری تطبیق می‌کند. شواهد نمایانگر آن است که استاد، جلسات تفسیری خوینئی‌ها را کاملاًر صد می‌کرده و خطر آن را به برخی دوستان نزدیک خویش می‌گوش‌زد می‌نموده است. چنانکه خاطره مهندس مهدی مفتح فرزند شهید آیت‌الله دکتر محمد مفتح حاکی از آن است:

«قبل از پیروزی انقلاب و در ایام نزدیک به ۲۲ بهمن ۵۷، یک روز طبق معمول، با ماشین و همراه شهید مفتح، دنبال شهید مطهری رقتیم. من راندنگی می‌کردم. شهید مطهری با عصیانبت، نواری را از جیب درآوردند و به پدرم دادند گفتند: «دشمن به این نوار گوش کردم. تفسیر قرآن فردی است که در آن گوساله سامری را به نظام سرمایه‌داری تشبیه کرده است!» ایشان رگه‌هایی از التماس را در این تفسیر می‌دیدند و بسیار ناراحت بودند.»^(۴)

■ **استاد در تکاپوی ارشاد خوینئی‌ها**

منش استاد شهید مطهری نشاد می‌دهد که رویکرد اولیه وی در مواجهه با هر نوع از انحراف، روشنگری و ارشاد در عین خوش‌بینی بوده است. به شهادت رهبر معظم انقلاب اسلامی، استاد شهید از طریق ایشان برای موسوی خوینئی‌ها پیامی می‌فرستد و وی را به گفت‌وگو در باره مضامین تفسیری‌های وی فرامی‌خواند، اما از قبول این دعوت سر باز می‌زند. دکتر علی مطهری فرزند شهید آیت‌الله مطهری که از جمله مطلعان از این دعوت است، ماجرا را اینگونه روایت می‌کند: «زمانی که رهبر انقلاب، رئیس‌جمهور بودند، باایشان ملاقاتی داشتم. کس دیگری هم در آن جلسه حضور نداشت. ایشان در این مورد نقلی می‌کردند که یک بار آقای مطهری به من گفتند: «برو و به این محمد خوینئی‌ها بگو این تفسیری که



■ **خرداد ۱۳۵۹. اکبر گودرزی در دادگاه انقلاب**

و ذهنیت‌هایی مبتدی رنج می‌برد. حمید نقاشیان از جمله اولین کسانی که پس از ترور استاد مطهری ازسوی امام خمینی به مواجهه با گروه فرقان پرداخت و پیش از انقلاب نیز در جلسات تفسیر گودرزی شرکت جسته بود، در این‌باره معتقد است: «گودرزی که طلبه کم‌سودی بود که دو سه نفر از همدرس‌های خودش را هم در در جلسات شرکت می‌داده، ضدحوزه بود و این عقدهٔ روحی گاهی هم از زبانش شنیده می‌شد. مثلاً گاهی از شرکت خود در جلسات تفسیرهای تفنگی مسجد جوستان آقای موسوی خوینئی‌ها یا خواندن کتاب‌های نصیرالدین امیر صادقی که تعریض‌هایی به حوزه داشت و در او تأثیر عمیق گذاشته بود، حرف می‌زد و مسائل را از فضای حوزه و به روحانیت بیان می‌کرد که بسیار سطحی و ظاهری بودند.»^(۵)

چنین فردی با این پایه از دانش حوزوی و قرآنی، از سوی چهره‌هایی چون موسوی خوینئی‌ها مورد حمایت قرار می‌گرفت و از همین روی نیز، در مواجهه با روحانیت بی‌پروا و گستاخ گشته بود. به عبارت دیگر «خوینئی‌ها» «گودرزی» از حمایت متقابل یکدیگر برخوردار می‌شدند، گودرزی با حضور خود و همراهانش، محافل تفسیری خوینئی‌ها را گرم می‌کرد و بر اسباب جمعی او می‌افزود و خوینئی‌ها هم با حمایت خویش از گودرزی، تا حدی شبانه‌انحراف را از گودرزی می‌زدود و برای او پشتوانه‌ای درخور به‌شمار می‌رفت. ماشاءالله رحیمی از فعالان مسجد قبا و متولی برنامه‌های تبلیغی این مسجد در دوران انقلاب - که فرقاقلیان را از نزدیک در کرد کرده -بر این باور است:

«آقای خوینئی‌ها هم در مسجد جوستان تفسیری داشت که مورد تأیید خیلی‌ها نبود، از جمله شهید مطهری که نسبت به تفاسیر ایشان انتقادات جدی داشتند. بعد از انقلاب، مجاهدین اسلحه به دست گرفتند و به اشتباه اسم اینها را منافق گذاشتند، درحالی که آنها عدل‌آوردرووی نظام ایستادند و در واقع محارب بودند، نفاق نداشتند، اما منافقین واقعی توانستند در این ۳۰ سال در انقلاب نفوذ کنند و لطمه‌های جبران‌ناپذیری هم بزنند. آنها به شکلی ظریف، اسم منافق را

^[1] سیمین دانشور سال‌ها در مجموعه داستان آتش خاموش، پیشرفت و پختگی را از مجموعه داستان آتش خاموش، شهری چون بهشت، رمان سووشون، مجموعه داستان به کی سلام کنیم، از پرنده‌های مهاجربیرس، رمان‌های جزیره سرگردان و ساربان سرگردان پله پله طی کرده و نامش تا دنیا‌پاتی است، بر تارک رفیع و پرافتخار ادبیات داستانی ایران خواهد درخشید

^[2] سیمین دانشور سال‌های مدیدی است در رگ و پی ذهن همه مخاطبان خود حضور دارد و اینک به بانوی داستان‌نویسی ایران ملقب شده است

^[3] او که در آثارش لحظات ناب و مومیایی و ثبت کرده، سمبل و الگویی برای تعمای زنان آزاده و هنرمند این سرزمین است

^[4] انگیزه اصلی نگارش کتاب حاضر این بود که او نیز زنی است از جنس من با همه عواطف و ذهنیات زنانه که در آثارش موج می‌زند و به فضای داستان‌هایش رنگ و بوی دیگری می‌بخشد، تا حدی که گاهی احساس می‌کردم قهرمانان زن او از زبان من سخن می‌گویند و حرف‌های ناتمام‌ها را بر زبان می‌رانند

^[5] او کسی است که از نوجوانی با خواندن رمان مشهور سووشون با وی آشنا شدم و از همان زمان به دلیل